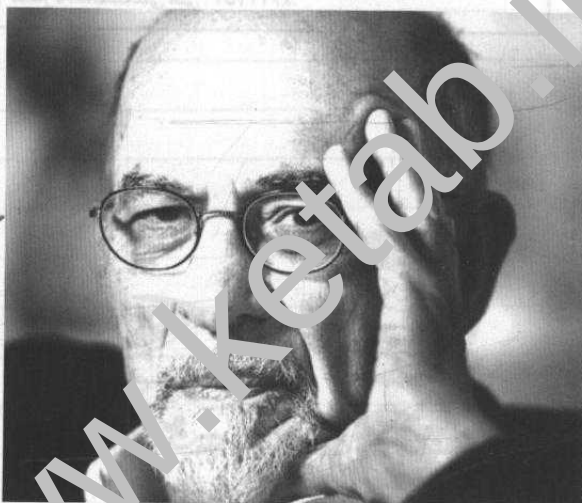


وقتی نیچه گریست

اروین د. د. یالوم / رضا پیلواران



۲۱/۳/۹۹

www.ketab.ir



ندای معاصر

سرشناسنامه: یالوم. اروین دی. Yalom, Irvin D.

عنوان و نام پدید آور: وقتی نیچه گریست.

اروین دی یالوم. رضا پیلوران.

مشخصات ظاهری: ۳۵۲ ص. مشخصات نشر: تهران. ندای معاصر.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا. شابک: ۸-۳۱-۹۸۹۶-۶۰۰-۹۷۸.

موضوع: نیچه. فردریش. ویلهلم. برویر. یوزف.

داستان های آمریکایی. روان درمانگر و بیمار. افسردگی.

شناسه افزوده: پیلوران. رضا.

رده بندی کنگره: PS ۳۵۷۳.

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴.

شماره کتابشناسی ملی: ۶۶۳۳۳۵۲.



ندای معاصر



خیابان جمهوری - رویروی باغ سپه سالار - شماره ۲۲۸ - تلفن: ۳۳۹ ۱۵۱

مرکز پخش: خیابان انقلاب - خ منیری جاوید - بن بست مبین - شماره ۱-۱۰-۱

تلفن: ۶۶۴۸۰۳۳۷ - ۶۶۴۸۱۰۲۹

وقتی نیچه گریست

اروین د. یالوم / رضا پیلوران

نوبت چاپ: اول (۱۳۹۹) / شمارگان ۳۰۰ نسخه

شابک: ۸-۳۱-۹۸۹۶-۶۰۰-۹۷۸

۸۰/۰۰۰ تومان

فهرست کتاب

۵.....	یادداشت به قلم نویسنده
۹.....	فصل اول
۲۴.....	فصل دوم
۴۲.....	فصل سوم
۶۶.....	فصل چهارم
۷۴.....	فصل پنجم
۸۷.....	فصل ششم
۹۵.....	فصل هفتم
۱۱۳.....	فصل هشتم
۱۳۱.....	فصل نهم
۱۴۰.....	فصل دهم
۱۵۱.....	فصل یازدهم
۱۶۹.....	فصل دوازدهم
۱۷۸.....	فصل سیزدهم
۱۸۹.....	فصل چهاردهم
۲۰۷.....	فصل پانزدهم
۲۲۲.....	فصل شانزدهم
۲۳۳.....	فصل هفدهم
۲۴۵.....	فصل هجدهم
۲۵۸.....	فصل نوزدهم
۲۷۵.....	فصل بیستم
۲۹۸.....	فصل بیست و یکم
۳۲۵.....	فصل بیست و دوم

یادداشت به قلم نویسنده

فریدریش نیچه و جوزف برویر هرگز یکدیگر را ندیدند. و صدا البته، پیدایش روان‌درمانی نیز نتیجه برخورد آن دو نبود. با این وجود، زندگی شخصیت‌های اصلی داستان بر واقعیت استوار است و حوادث عمده رمان از تألمات روحی برویر، آملیدی نیچه، آناو و لو سالومه گرفته تا رابطه فروید با برویر و انعقاد نطفه روان‌رمان. همه و همه از نظر تاریخی به سال ۱۸۸۲ برمی‌گردند.

فریدریش نیچه در بهار سال ۱۸۸۲ توسط پائول ری به لو سالومه جوان معرفی شد. نیچه در ماه‌های بعد، برادر رابطه عاشقانه کوتاه، پرشور اما عقیقانه‌ای با او شد. لو سالومه در سال‌های بعد، بر بنسند و روان‌کاوی برجسته شد. او به خاطر دوستی نزدیکش با فروید و همچنین رابطه عاشقانه‌اش، خصوصاً با شاعر آلمانی، راینر ماریا ریلکه، نیز شهره است.

رابطه نیچه با لو سالومه که به خاطر حضور پائول ری و دخالت‌های خرابکارانه الیزابت، خواهر نیچه، تبدیل به رابطاتی پیچیده شده بود، پایان فاجعه‌باری برای وی داشت. او تا سال‌ها به خاطر از دست دادن عشق خود اندوهگین بود و احساس می‌کرد مورد خیانت قرار گرفته است. بی‌ماه‌های آخر سال ۱۸۸۲، یعنی مقطعی که اتفاقات رمان در آن می‌گذرد، نیچه به شدت افسرده بود و حتی به خودکشی فکر می‌کرد. نامه‌های مأیوسانه او به لو سالومه سه بخش‌هایی از آنها در کتاب بازگو می‌شود، کاملاً واقعی هستند. البته با اطمینان نمی‌توان تشخیص داد که آیا صرفاً دلنوشته هستند یا واقعا برای لو سالومه ارسال شده‌اند. علاوه بر آن، نامه‌های واگنر به نیچه که در فصل یک به آنها اشاره شده نیز واقعی هستند.

مداوای برتا پانهایم، ملقب به آناو. بخش اعظم وقت جوزف برویر در سال ۱۸۸۲ رابه خود اختصاص داده بود. در نوامبر همان سال، او جزئیات درمان این بیمار را با دوست و شاگرد جوان خود، زیگموند فروید در میان گذاشت، فرویدی که طبق توصیف این رمان، مدام به خانه برویر رفت و آمد می‌کرد. دوازده سال بعد، آناو نخستین موردی بود که فروید و برویر در کتاب خود پیرامون هیستری، کتابی که شروع انقلاب روان‌کاوی را رقم زد، به آن پرداختند.

برتا پانهایم هم مثل لو سالومه زن شناخته‌شده‌ای بود. سال‌ها پس از درمانش توسط

برویر، او به عنوان یک فعال مدنی پیشرو مشغول به کار شد و چنان شهرتی یافت که پس از مرگش در سال ۱۹۵۴ از سوی دولت آلمان غربی مورد تجلیل قرار گرفت و تمبر یادبود او به چاپ رسید. نام مستعار او، آناو، را کسی نمی‌شناخت تا اینکه ارنست جونز در کتاب *زندگی و آثار زیگموند فروید* پرده از راز آن برداشت.

آیا ذهن جوزف برویر واقعی درگیر امیال اروتیک برتا پانهیم بود؟ در مورد زندگی، درونی جوزف برویر اطلاعات چندانی در دست نیست اما تحقیقات نشان می‌دهد که این موضوع امکان‌پذیر بوده است. در گزارش‌های متفاوتی که هم‌عصران وی نگاشته‌اند بر یک نکته اتفاق نظر وجود دارد و آن اینکه درمان برتا پانهیم موجب ایجاد موانع نیرومندی در هر دوی آنها شد. ذهن برویر به قدری درگیر بیمار جوانش و وقت خود را صرف وی کرد که همسرش ماتیلدا از او دلگیر شد و به برتا حاد دل‌ورزید. فروید در مورد درگیری عاطفی شدید برویر با بیمار جوان خود به پرپوشی با ارنست جونز، نویسنده زندگینامه خویش صحبت کرده است و درنامه‌ای به ارنست برنایس، نامزدش در آن زمان، نوشته که خیال او بابت ایجاد روابطی از این دست راحت باشد. جورج پولاک^۲ روانکاو اشاره می‌کند که دلبستگی شدید برویر برتا احتمالاً پیامد از دست دادن مادری به همین نام، در سنین پایین بوده است.

گزارش بارداری نمایشی و خیالی آناو و نخست برویر و پایان شتابناک روند درمان مدتهاست که به عنوان بخشی از مواد درس سم و انکاو تدریس می‌شود. فروید نخستین بار این ماجرا را در نامه‌ای به رمان‌نویس آلمانی، اشتفان تسوایک^۳ نقل کرد و ارنست جونز هم آن را در زندگینامه فروید تکرار کرد. تا همین اواخر کسی در درستی این ماجرا تردیدی نداشت تا اینکه آلبرت مرشولر^۴ در زندگینامه سال ۱۹۹۰ برویر عنوان کرد تمام این ماجرا ساخته و پرداخته فروید بوده است. خود برویر هرگز در مورد این موضوع شفاف‌سازی نکرد و در مطالعه موردی‌اش که در سال ۱۸۹۵ منتشر شد، ابهامات پیرامون آناو را با بزرگ

Ernest Jones^۱

Martha Bernays^۲

George Pollock^۳

Stefan Zweig^۴

جلوه دادن تأثیر درمانش دوچندان کرد.

با وجود تأثیر بسیار زیاد برویر بر تکامل روان‌درمانی، جالب است بدانیم که او تنها مدت کوتاهی از زندگی حرفه‌ای خود را وقف رشته روانشناسی کرد. علم پزشکی نام برویر را نه تنها به عنوان محقق برجسته در زمینه فیزیولوژی دستگاه تنفسی و تعادلی، بلکه به عنوان طبیبی زبردست می‌شناسد که پزشک خصوصی نسلی از مشاهیر وین زمان خود بوده است.

نیچه در اکثر زمان عمر خود از ضعف سلامتی رنج می‌برد. گرچه در سال ۱۸۸۹ رسماً در بستر بیماری لاعلاج زوال عقل توأم با فلج (نوعی سیفلیس درجه سه که سرانجام باعث مرگ او شد) افتاد، اما بر این مسئله توافق وجود دارد که او در بیشتر زمان عمر خود از یک بیماری دیگر هم رنج می‌برده است. این احتمال وجود دارد که نیچه دچار میگرن شدید بوده است. تصویری که من در این رمان از بیماری او ارائه داده‌ام برگرفته از توصیفات زنده اشتفان تسوایک در سال ۱۹۳۹ است.

نیچه به دلیل این بیماری خرد با دشمنان زیادی از سراسر اروپا مشورت کرده بود و به احتمال زیاد به جوزف پیر و آرازه نیز معرفی شده بود.

از شخصیت لو سالومه این انتظار نمی‌رود که به منظور کمک به نیچه با درماندگی متوسل به برویر شود. او، طبق اطلاعات زندگی‌نامه‌نویسان، زنی نبوده که چندان گرفتار احساس گناه شود و معروف است که روابط عاشقانه زیادی داشته بدون اینکه از پایان دادن به آنها ذره‌ای غمگین شود. و در بسیاری موارد، از حریم خصوصی خود دفاع کرده و تا جایی که اطلاع دارد هرگز در ملاء عام به رابطه خصوصی‌اش با نیچه اشاره نکرده است. از نامه‌هایش به نیچه یزی باقی نمانده است. به احتمال قریب به یقین الیزابت، خواهر نیچه آنها را نامه ساخته است. روابط خصمانه الیزابت و لو سالومه تا پایان عمرشان ادامه داشت. لو سالومه در عالم واقع نیز برادری به نام جنیا داشته که در سال ۱۸۸۲ در وین دانشجوی پزشکی بوده است. البته بسیار بعید است که برویر در آن سال مورد آناو را در یک کنفرانس دانشجویی مطرح کرده باشد. نامه نیچه به پتر گاست (که در فصل ۱۲ به آن اشاره شد) دوست و ویراستارش، و نامه الیزابت نیچه به نیچه هر دو غیرواقعی هستند. همچنین کلینیک لوزون و شخصیت فیثمان و ماکس، باجناق برویر، همگی خیالی هستند (البته برویر درعالم واقعیت هم یک شطرنج‌باز قهار بود). تمام رویاها خیالی‌اند جز دو رویایی که نیچه بازگو می‌کند: یکی رویای بلند شدن پدرش از گور و دومی صدای خرخر مرگ آن پیرمرد.